

## پیش‌خوان

## خاطرات و اسنادی در باب حیات سیاسی استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی

## فلسوف سیاست و مبارزه

## محمد رضا کائینی



فلسوف نامور زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، پیش و بیش از هر چیز، به مکات و‌الای علمی شناخته می‌شود. این در حالی است که وی در دوران نهضت ملی و نیز اندکی پس از شکست آن، به فعالیت سیاسی نیز پرداخت که اسناد و خاطرات مربوط به آن رازنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی، در یکی از مجلدات جدید روزگار آورده است. خسروشاهی در دیپاچه این اثر و در بسط این وجه از حیات آشتیانی، چنین آورده است:

«سنخ‌های از حدیث روزگار که سلسله خاطرات مستند اینجانب به شمار می‌رود، درباره فیلسوف مجحول‌القدر معاصر، استاد بزرگ سیدجلال‌الدین موسوی آشتیانی است که به آغاز دوران تحصیلی بنده در قم مربوط می‌شود. این مرادفات در دوران با شکست نهضت ملی صنعت نفت بود که سخن درباره باورهای سیاسی و نیز بررسی مسائل فلسفی و علمی، به مسائل سیاسی روز و حوادث نیک و بد حوزه‌ها کشیده می‌شد. این مرادفات در دوران سفر تحصیلی استاد به نجف یا سفر بنده به تبریز همچنان ادامه یافت که محصول آن مکاتباتی بود که به عمل آمد و طبق معمول، متأسفانه نسخه‌ای از نامه‌های بنده در اختیارم نیست و فقط بخشی از نامه‌ها یا پاسخ‌های استاد، از حوادث روزگار در امان باقی مانده است که در این رساله ضمن پرداختن اجمالی به شرح زندگی و آثار استادسیدجلال‌الدین آشتیانی، برای ثبت در تاریخ، عیناً نقل و درج شده است. البته این اثر، می‌تواند نشان دهنده نوع اندیشه قشر متفکر و آگاه حوزه علمیه قم درباره حوادث



زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی در دوران جوانی

سیاسی، پس از حادثه موسوم به کودتای ۲۸ مرداد

و چاره‌جویی آنها برای پیشرفت کشور و بهبود اوضاع تلقی نشود. در واقع استناد جلال آشتیانی در آن برهه از زمان، هم‌زمان با برخورداری از موقعیتی خاص در بیت آیت‌الله بروجردی و تحصیل و تدریس در حوزه و تلاش در دایره علوم اسلامی، در مسائل سیاسی روز هم به نحوی دخالت و نقش داشته است، که البته این مرحله در زندگی ایشان، مورد توجه اغلب سیره‌نویسانی که درباره اسناد مقاله یا کتابی نوشته‌اند، قرار نگرفته است. البته استاد جلال‌الدین آشتیانی، بعدها به علت لو رفتن دستخط ایشان توسط بعضی از دوستان ملی‌گرا، در مستط‌الافراد صالح و آدامه مبارزه در شکل معقول شد و ضمن کناره‌گیری از این جریان‌ت رسمی، خود به فکر تأسیس یک نهاد سیاسی مستقل، برای گردآوری افراد صالح و آدامه مبارزه در صورت رنگی

و منطقی بود، که در یکی از نامه‌هایش به اینجانب، به‌طور مشروح بنام می‌پردازد ولی متأسفانه توفیقی در این باره حاصل نشد! لازم به ذکر است که استاد در آغاز نهضت ملی، مرید آیت‌الله کاشانی بود، به ویژه که مرشد او مرحوم آیت‌الله بروجردی هم، سخت به آیت‌الله کاشانی اعتقاد داشت و به او احترام می‌گذاشت اما در جریان اختلاف بین ایشان و دکتر مصدق، وی جانب دیگر را گرفت! از او شنیدم که می‌گفت بی‌تردید آیت‌الله کاشانی، مردی ملذ باسنواد و مجتهد علی‌الاطلاعی است و مبارزات مسلحانه ایشان در عراق علیه استعمار انگلیس را، کسی نمی‌تواند انکار کند و در جریان ملی شدن صنعت نفت، در بستن دکان و بانک انگلیسی‌ها در ایران، فتاوی ایشان نقش اول را داشت…! به هر حال این نوشتار، اشاراتی به زندگی، آثار و فعالیت‌های علمی و سیاسی استاد، به‌ویژه همکاری و نظریه او درباره نهضت مقاومت ملی و جمعیت متاع دار، که اینجانب نیز به نحوی با هر دو جریان، ارتباطی داشتم و در آن راستا فعالیت‌های ویژه‌ای انجام می‌دادم، که به گوشه‌هایی از آنها در خاطرات مستند خود، اشاره‌هایی کرده‌ام…»

**عبدالله والا** با عرض کامل خط مشی مجله تهران مصور و محتوای آن، اقدام به انتشار یک مجله مبتدل کرد! حتی می‌توان گفت تهران مصور عبدالله والا، پیشگام نشر عکس‌های غیراخلاقی در مطبوعات دوران پهلوی بود. او روابط نزدیکی با دربار و ساواک داشت و حتی بعد از تشکیل رسمی کشور اسرائیل، هم‌راه گروهی از مطبوعاتی‌های وابسته به دربار پهلوی، به اسرائیل فرستاد!

## عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷



علی اصغر امیر آتی مدیر مسئول مجله خواندنی‌ها (تقر اول از چپ)، در مراسم سلام پهلوی دوم

**نگاهی به رویکرد ضد‌دینی و ضدفرهنگی مجلات اجتماعی – فرهنگی دوره پهلوی دوم**

# رنگین‌نامه‌هایی با مأموریت

# هویت‌زدایی از ملت ایران

**انوشه میر‌مرعشی** یکی از سیاست‌های مهم استعمار در ایران که توسط پهلوی‌ها اجرائی شد، تلاش برای دین‌زدایی و گسترش فسق‌اد و بی‌بندوباری در میان جوانان بود. در آن مقطع مجریان سیاست‌های استعمار غربی در ایران، برای پیشبرد این هدف، «مجلات» را به عنوان ابزاری بسیار مهم، برای گسترش بی‌بندوباری در کشورمان تشخیص داده بودند.

بر همین اساس هم، در فاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی، میزان قابل توجهی از مجلات، که مخاطب عمده آنها جوانان و زنان بودند، منتشر می‌شد. مجلاتی که در آنها سبک زندگی غربی، در قالب چاپ عکس و زندگینامه هنر پیشه‌های هالیوودی، انتشار مصاحبه‌ها و حواشی مربوط به زندگی خوانندگان و هنر پیشه‌های ایرانی، داستان‌های دنباله‌دار و عمدتاً غیراخلاقی و تبلیغ لوازم مصرفی تجملی و… ترویج می‌شد. اقدامی که به نیت دین‌زدایی و ترویج تفکرات ایباح‌گرایانه، در میان جوانان و زنان ایران انجام می‌شد. در این مقاله‌نگاهی مختصر داریم به مشخصات و محتوای این نوع مجلات. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

### مجلات حامی سلطنت پهلوی دوم

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوره پهلوی دوم، مطبوعات زیادی در سطح کشور منتشر و توزیع می‌شد اما رشد اصلی مطبوعات (به لحاظ کمی)، به بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. مربوط می‌شود زیرا در دوران ملی شدن صنعت نفت، مطبوعات که از آزادی زیادی در نشر عقاید و دیدگاه‌های صاحبان و گردانندگان خود برخوردار شده بودند، توانستند نظر بسیاری از مردم را به سوی خود جلب کنند. این گرایش و توجه به مطالب روزنامه‌ها و مجلات، رژیم پهلوی را بر آن داشت تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از انتشار مطبوعات موافق سیاست‌های حکومت را در اولویت برنامه‌های فرهنگی کشور قرار دهد.<sup>[۱]</sup> به هر حال مدتی بعد از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. ناگهان تعداد زیادی مجله با رویکرد حمایت از حکومت محمدرضا پهلوی و سیاست‌های او، انتشار خود را آغاز کردند. مجلاتی که به صورت رنگی چاپ می‌شدند و بعد از مدتی، چاپ عکس‌های خلاف اخلاقی و عفت عمومی را در دستور کار خود قرار دادند تا جایی که به قول زنده‌یاد جلال آل احمد، دور در

سال‌های بعد کودتای ۲۸ مرداد، دور «رنگین‌نامه‌ها» شد.<sup>[۲]</sup> برخی از این دست مطبوعات در آن دوره، به قرار ذیل است:

**خواندنی‌ها**

علی‌اصغر امیرانی فعالیت مطبوعاتی خود را در دوران رضاشاه و با نویسندگی برای دو روزنامه «اطلاعات» و «نسیم صبا» آغاز کرد. او امتیاز مجله «خواندنی‌ها» را در سال ۱۳۱۹ ش. گرفت و از شهرپور همان سال هم، انتشار این مجله را آغاز کرد. شروع پیشرفت امیرانی در فضای مطبوعاتی کشور اما برمی‌گشت به بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت محمدرضا پهلوی به سلطنت زیرا امیرانی بعد از کودتا، خود را قداپی سلطنت نامید و ادعا کرد در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، به خاطر دفاع از سلطنت، قرار بوده اعدام شود! اما با انجام کودتا، خطر از بیخ گوش گذشته!<sup>[۳]</sup>

امیرانی در طول سال‌های فعالیت مطبوعاتی خود، تقریباً با تمام مجلات و نشریات هم‌دوره خود به دشمنی پرداخت و هر چند شماره یکبار، فحش‌نامه‌ای علیه آنها به چاپ می‌رساند دلیل این وضعیت هم این بود که امیرانی در مجله خواندنی‌ها از مطالب تولیدی استفاده نمی‌کرد و از مطالب و مقالات سایر نشریات در مجله خود بهره می‌برد. برای همین سایر مطبوعات‌ها امیرانی را به غیر از لقب «سارق الجراید»، به لقب «چاقوکش قلمی» هم متفخر کرده بودند! به هر حال

مجله خوددنی‌ها مانند عمده مجلات اجتماعی آن دوره، مملو از مطالب غیراخلاقی و مسهت‌هچ بود اما با این تفاوت که بسیاری از مطالب آن، از سایر مجلات دزیده‌شده بود!<sup>[۴]</sup>

**امید ایران**

یکی از باسابقه‌ترین مجلات حامی سلطنت محمدرضا پهلوی، مجله «امید ایران» نام داشت. «علی‌اکبر صفی‌پور» مدیرمسئول مجله امید ایران، فعالیت مطبوعاتی خود را در سال ۱۳۲۲ ش. به عنوان نویسنده در مجله خواندنی‌ها آغاز کرد. بعد از حدود ۱۰ سال نویسندگی در خواندنی‌ها، علی‌اصغر امیرانی صاحب امتیاز و مدیرمسئول خواندنی‌ها، صفی‌پور را به سردبیری خواندنی‌ها منصوب کرد اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در جهت سیاست‌های رژیم پهلوی برای گسترش و حمایت از مطبوعات طرفدار محمدرضاشاه، صفی‌نژاد با کمک امیرانی امتیاز انتشار مجله امید ایران را در سال ۱۳۳۲ ش. گرفت اما بعد از آن و در وقتی صفی‌پور توانست مجوزهای لازم را برای انتشار مستقل هفته‌نامه امید ایران از وزارتخانه فرهنگ و هنر کسب کند، انتشار مستقل

## د

**علی‌اصغر امیرانی** در مطالب تولیدی استفاده نمی‌کرد و از مطالب و مقالات سایر نشریات، در نشریه خود بهره می‌برد. برای همین سایر مطبوعاتی‌ها، امیرانی را به غیر از لقب «سارق الجراید»، به لقب «چاقوکش قلمی» هم متفخر کرده بودند! به هر حال مجله خواندنی‌ها مانند عمده مجلات اجتماعی آن دوره، مملو از مطالب غیراخلاقی و مسهت‌هچن بود اما بسا این تفاوت که بسیاری از مطالب آن، از سایر مجلات دزدیده شده بود!

و خواننده‌های ایرانی و خارجی و روابط آنها اختصاص داشت و یکی از اصلی‌ترین محربان سیاست‌دین‌زایی از ذهن جوانان ایران‌زمین، محسوب می‌شد.<sup>[۵]</sup>

**تهران مصور**

یکی دیگر از رنگین‌نامه‌های آن دوره، مجله «تهران مصور» بود. انتشار این مجله، به سال‌ها قبل از کودتای ۲۸ مرداد برمی‌گشت ولی پس از کودتا، دقیقاً به یک رنگین‌نامه واقعی تبدیل شد! در واقع تاریخ انتشار هفته‌نامه تهران مصور را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم کرد. دوره اول به صاحب امتیازی عباس نعمت، از ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۰ ش. در این دوره عمده مطالب، مقالات اجتماعی و تاریخی و در درجه بعد، مطالب فکاهی و داستان بود. غنای مطالب مجله در این دوره، از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار بود. دوره دوم انتشار تهران مصور به صاحب امتیازی احمد دهقان از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ ش. اختصاص داشت و با قتل احمد دهقان در دفتر کارش، پایان یافت. مثنی مطالب این دوره، به مخالفت با حزب توده و مخالفت با تفرک چپ و شوروی استوار بود و به همین دلیل هم، از سوی مردم مورد استقبال قرار می‌گرفت. دور سوم انتشار تهران مصور به صاحب امتیازی عبدالله والا، از سال ۱۳۳۰ ش. آغاز شد و تا سال ۱۳۵۳ ش. ادامه داشت. در نهایت، دوره چهارم انتشار تهران مصور، به دو سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ برمی‌گردد که در آن مجله با صاحب امتیازی عبدالله والا و سردبیری مجله، ضدیت با انقلاب اسلامی و طرفدار گروه مارکسیستی بود!

اما در دوره سوم، عبدالله والا با عوض کردن کامل خط مشی مجله و محتوای آن، اقدام به انتشار یک مجله مبتدل کرد! حتی می‌توان گفت مجله تهران مصور عبدالله والا، پیشگام نشر عکس‌های غیراخلاقی در مطبوعات دوران پهلوی بود. مهندس والا روابط نزدیکی با دربار و ساواک داشت و حتی بعد از تشکیل رسمی کشور سواکی اسرائیل، برای قبح‌شکنی رابطه ایران با اسرائیل، اسنمائیل رائین خبرنگار ویژه مجله را به همراه گروهی از نویسندگان و مطبوعاتی‌های وابسته به دربار پهلوی به اسرائیل فرستاد.<sup>[۶]</sup> البته پس از آن، روابط مدیر مجله تهران مصور با رژیم صهیونیستی، آنچنان علنی شد و بالاگرفت که عبدالله والا با وقاحت تمام در بالای صفحه جلد تهران مصور، در هر شماره، علامت ستاره داوود را چاپ می‌کرد. این اقدام والا تا حدی علنی بود که باعث شد حتی ساواک آن را ضدامنیتی تلقی کند!

سواک خارج از کشور در گزارش‌های اعلام می‌کند: «روی جلد مجله تهران مصور، ستاره شش‌پر و آرم مخصوص صهیونیسم درج شده است و این موضوع، توجه محافل ضدیهود را به خود جلب کرده و ممکن است اقدامات تبلیغی علیه ایران، به عمل آید و ضرورت دارد هر چه سریع‌تر، این موضوع اصلاح شود.»<sup>[۷]</sup>

**زن روز**

انتشار مجله «زن روز» که یکی از مجلات زیرمجموعه مؤسسه فرهنگی – مطبوعاتی کیهان بود، از تاریخ ۸ اسفند ۱۳۳۴ ش. آغاز شد. از ابتدای شروع انتشار زن روز تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت اداره و سردبیری آن را برعهده داشت. یکی از اصلی‌ترین اهداف گردانندگان مجله زن، روز ارائه الگوی خاص به دختران ایران بود تا بر اساس آن اهداف مورد نظر حکومت پهلوی درباره ترویج فرهنگ غربی و سکولار بر آورده شود. به همین دلیل از شماره یک این مجله، طرح «انتخاب دخترین» و بعدها «انتخاب دختر شایسته»، در دستور کار آن قرار گرفت که این طرح به مدت ۱۴ سال اجرا شد. جالب است که در سال‌های ابتدایی اجرای این طرح، ملاک‌های انتخاب بیشتر بر اساس توانایی‌های هنری، ذهنی و هوشی، قوای جسمانی و سپس زیبایی بود یعنی ملاک‌هایی که یک زن و دختر موفق باید در نظام تفکری لیبرالیسم داشته باشند. ملاک‌هایی که در آن، خبری از اصل بودن عفت، پاکدامنی و تأکید بر نقش همسری و مادری نبود! به طوری که مجید دومی در آستانه سوسمین سال برگزیدن دختر شایسته، در سر مقاله شماره ۱۱۳ نوشت: «مجله زن روز مدت دو سال است که زیر عنوان برنامه انتخاب دختر شایسته ایران، این همه وقت



جمعی از مدیران مطبوعاتی در دوران پهلوی دوم

## ۹ جوان

|روزنامه جوان |شماره ۶۳۹۳

و انرژی صرف می‌کند و اجرای چنین برنامه‌ای را به عهده گرفته است. در یک جمله بگویم مقصود اصلی مجله زن روز از اجرای این برنامه، مشارکت در نهضتی است که در این ایام، برای بیداری فکر زن ایرانی در کشور کهنسال ما آغاز شده است…»<sup>[۸]</sup> با شروع دهه ۵۰ شمسی و با فعالیت رسانه‌ها برای هر چه بیشتر غربی کردن جامعه، مطبوعات و جمله مجله زن روز، قدم به قدم به سوی سطحی شدن و ابتذال پیش رفت! به طوری که در بیشتر صفحات این مجله، تصاویر برهنه زنان و طرح‌های مبتذل و انبوهی از مطالب ترجمه‌ای به چشم می‌خورد و در مقابل ملاک‌های انتخاب دختر شایسته هم، بیشتر به سوی ملاک‌های جسمانی و زیبایی ظاهری و جنسی پیش رفت!<sup>[۹]</sup>

در طول سال‌های مبارزه مردم ایران علیه رژیم پهلوی، بارها عملکرد و جهت‌گیری مجله زن روز، مورد اعتراض متدینین و به ویژه بدنه روحانیت قرار گرفت که جدی‌ترین آن بر سر دفاع همه‌جانبه زن روز، از «لایحه حمایت از خانواده» بود. لایحه‌ای که در آن، بر غربی‌سازی حقوق زن در قانون اساسی، تأکید شده بود و مطرح‌کنندگان آن درصدد حذف حقوق و قوانین اسلامی، همچون قوانین شرعی مربوط به طلاق بودند. با مطرح شدن این لایحه برای تصویب در مجلس شورای ملی در فروردین ۱۳۴۶ ش. اعتراض‌ها بیشتر شد. البته جالب است که از همان اواخر سال ۱۳۴۵ ش. تا پاییز ۱۳۴۶ ش. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری اعتراض خود را به مطالب ضد‌دین و خلاف واقع زن روز درباره حقوق زنان در اسلام، در قالب ۳۲ مقاله با عنوان «نظام حقوق زن در اسلام» که برای مجله زن روز می‌نوشت، نشان داد. بعدها در سال ۱۳۵۳ ش. این مقالات به شکل کتابی مستقل، تحت عنوان «حقوق زن در اسلام» منتشر شد.<sup>[۱۰]</sup>

**غروب زن عروسکی در رنگین‌نامه‌ها**

به غیر از مجلات بالا، مجلات دیگری همچون «اطلاعات بانوان» به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی «قدسی مسعودی»، مجله «اطلاعات جوانان» و «رستاخیز جوانان» هم، که وابسته به رینگه رسانه‌ای حزب رستاخیز بود، از مورحان بی‌بندوباری و اباحه‌گری در کشور محسوب می‌شدند.

اما با اوج‌گیری روند انقلاب اسلامی و مشخص شدن تأثیرات ۱۵ سال کار فرهنگی یاران امام خمینی (ره) در کشور، در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست فسادگستری رنگین‌نامه‌ها، کاملاً از رونق افتاد؛ زیرا در آن زمان، اکثریت جامعه منتقد سبک زندگی غربی، متواهای مستهچن و مطالب غیراخلاقی شده بودند و از طرف دیگر، گرایش به داشتن حجاب و داشتن تفکرات مذهبی در میان جوانان و زنان، بسیار فراگیر شده بود به طوری که مجله اطلاعات بانوان در واکنش به وضعیت به وجود آمده، در شماره ۱۱۱، مورخ ۴ بهمن ۱۳۵۷ ش. با اختصاص تصویر جلد مجله به شرکت بانوان مجتبه در نظاره‌ات، در صفحات ۴ و ۵ خود و مطلبی با عنوان «غروب زن عروسکی و طلوع زن انقلابی»، مجبور شد به نفی لوکس‌گرایی و غریب‌منشی از سوی عموم مردم اشاره کند و رویکرد عمومی جامعه اسلامی را به رسمیت بشناسد.

**منابع:**

۱- سجادی، سعید، مقاله «هدیه وزیر کشور کودتا»، روزنامه کیهان، مورخ ۸۵/۹/۱۶، شماره ۱۸۶۸۴، ص ۸.
۲- بیژنی، مریم، «فکر آزادی مطبوعات»، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول ۱۳۸۴، ص ۹۷.

۳- نیایی، ناصر، مقاله «مروری بر زندگی علی‌اصغر امیرانی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۳، مورخ بهمن ۱۳۶۶ ش.

۴- مرکز بررسی اسناد تاریخی، «مطبوعات عصر پهلوی» – کتاب سوم، مجله خواندنی‌ها- چاپ وزارت اطلاعات، صفحات ۱۷ تا ۳۴.

۵- مرکز بررسی اسناد تاریخی، «مطبوعات عصر پهلوی، کتاب اول، مجله امید ایران- انتشارات وزارت اطلاعات، زمستان ۱۳۸۳ ش. صفحات ۱۱۰ و ۱۲.

۶- بهزادی، علی، «شبه‌خاطرات»- تاریخ شفاهی عصر پهلوی- جلد دوم، انتشارات عطایی، ص ۸۸.

۷- کتاب ساواک، مجله امید ایران در سنده شماره ۴۳۰، ۷۴/۱۴، مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۳۹ ش. - مطبوعات عصر پهلوی، کتاب فتنم- مجله امید ایران- مرکز

بررسی اسناد تاریخی، زمستان ۱۳۸۳ ش. ۱۶۸.

۸- بهزادی، علی، «شبه‌خاطرات»- تاریخ شفاهی عصر پهلوی- جلد دوم، انتشارات عطایی، صفحه ۸۰، ۵، ۸۰۴.

۹- سجادی، سعید، مقاله «هدیه وزیر کشور کودتا»، روزنامه کیهان، مورخ ۸۵/۹/۱۶، شماره ۱۸۶۸۴، ص ۸.

۱۰- مرکز بررسی اسناد تاریخی، «مطبوعات عصر پهلوی»، کتاب اول، تهران مصور، نشر وزارت اطلاعات، چاپ ۱۳۷۹ ش.

۱۰- علیمردانی، علی‌اکبر، مقاله «مطبوعات عصر پهلوی و اسرائیل بر اساس اسناد»، سایت مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

۱۱- مرکز بررسی اسناد تاریخی، «مطبوعات عصر پهلوی»، کتاب اول، تهران مصور، نشر وزارت اطلاعات، چاپ ۱۳۷۹ ش. ص ۶۷.

۱۲- زن روز، شماره ۱۱۳، مورخ ۱۶ دیبهشت ۱۳۴۶ ش. ص ۳.

۱۳- قاسمی، طهمورث، «نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

۱۴- روحانی، سیدحمید، «نهضت امام خمینی (ره)»، جلد دوم، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۲۸۵ و ۲۹۰.